





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

رساله دکتری PH.D

رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

کرامت انسان در قرآن کریم (ماهیت، مبانی، موانع)

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدرضا مؤدب

استادان مشاور:

دکتر محمد کاظم شاکر

دکتر غلامحسین اعرابی

نگارنده:

بهر روز یدالله پور

زمستان ۱۳۸۸

تقدیم به:

بضاعتی در خور تقدیم نمی بینم اما چون سستی است حسنه، دل بر آن دارم که این تلاش را به محضر پاک خاندان رسالت، به ویژه آخرین ساله عترت و حجت حی بر حق، مهدی موعود - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء- تقدیم دارم لکن چون در پیشگاه با عظمتش از چنین تقدیمی شرمسارم و جسارت آن را ندارم؛ پس از سر محبت حضرتش، به روان مادرم تقدیم می دارم که چونان همه ارواح مومن از عرصه عمل و تلاش بیرونند و چه بسا هدیه ای را انتظار می برند، باشد که رحمت واسعه الهی پذیرا گردد و این نگارش و تقدیم آن را اثر بخش فرماید.

سپاس و تشکر:

خدای سبحان را سپاس بی حد دارم که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عنایت فرمود تا در گستره گسترده قرآن و عترت از محضر بزرگان دین و دانش خوشه چینی نمایم بدین سبب بر خود واجب می دانم تا از تمامی اساتید بزرگوارم به ویژه اساتید دوره دکتری، بالاخص استاد فقید حضرت آیه الله معرفت (ره) که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم .

از استاد گرامی و بزرگوار حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر مؤدب، که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق ، پژوهش و نگارش این رساله پذیرا شدند نهایت سپاس و تشکر را دارم.

از اساتید محترم حضرات آقایان: دکتر شاکر و حجت الاسلام والمسلمین دکتر اعرابی مشاورت انجام این رساله را تقبل فرمودند و مرا با راهنمایی های خود مورد لطف قرار داده اند کمال سپاس را ابراز می دارم و توفیق روزافزون برای آن عزیزان مسألت دارم.

همچنین سپاس خود را از زحمات خالصانه ریاست محترم مرکز تربیت مدرس تقدیم می دارم و نیز از همه ی مسئولان محترم مرکز تربیت مدرس ، به خاطر حسن همکاری سپاسگزارم

در پایان از حسن همکاری ، همراهی ، شکیبایی و فداکاری همسر مهربان و گرامی ام و دختران عزیزم فاطمه و الهه ، صمیمانه سپاس و تشکر دارم و از خداوند منان پاداشی بسیار را برای آن عزیزان آرزو می کنم.

چکیده

انگاره‌های انسان‌شناختی یکی از مقولات بنیادی در اندیشه معاصر است. پژوهش حاضر پس از معناشناسی «کرامت» و «انسان» در قرآن، می‌کوشد به معنای دقیق «کرامت انسان» در نظام معنایی قرآن دست یابد. بررسی آراء قرآن پژوهان و مفسران نشان از آن دارد که در بحث کرامت انسان در قرآن، نگاه یکسانی وجود ندارد. این پژوهش در صدد است تا (۱) معنایی دقیق از کرامت انسان در قرآن کریم را ارائه دهد؛ (۲) مبانی قرآنی کرامت انسان را تبیین کند؛ (۳) موانع فرا روی انسان در دستیابی به کرامت را مورد تحلیل قرار دهد. ایت تحقیق به این نتیجه رسیده است که از دیدگاه قرآن، انسان بما هو انسان دارای کرامت الهی است. از این رو، لوازم این کرامت نیز باید به عنوان موهبت های الهی برای انسان به رسمیت شناخته شود. با این قرائت از کرامت انسانی، تمام آموزه های اسلامی کاملاً با کرامت انسانی سازگار است.

واژگان کلیدی:

کرامت انسان، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی، مبانی کرامت، موانع کرامت، لوازم کرامت

فهرست مطالب

صفحه عنوان

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۲	مقدمه
۳	سئوالات تحقیق
۴	فرضیه های تحقیق
۵	اهمیت و ضرورت مساله
۶	پیشینه تحقیق
۸	روش تحقیق
۹	مبانی
۱۰	معنای لغوی کرامت
۱۲	انسان و واژه های مترادف

فصل دوم: کرامت انسان در نظام معنایی قرآن

۲۱	کرامت انسان در قرآن کریم
۲۱	کرامت انسان پیش از نزول قرآن
۲۴	کرامت انسان از دیدگاه فقها
۲۶	کرامت انسان از دیدگاه عارفان
۲۷	وجوه معنایی کرامت و کاربرد آن در قرآن کریم
۳۱	معناشناسی انسان در قرآن
۳۳	معناشناسی کرامت انسان در قرآن
۳۶	فلسفه اوصاف دو گانه انسان در قرآن کریم
۴۳	رابطه میان کرامت انسان با فضیلت وی
۴۸	گونه های کرامت
۵۱	معیار کرامت انسان
۵۳	کرامت اکتسابی (کرامت عندالله)

فصل سوم: مبانی کرامت انسان در قرآن

۵۶	مقدمه
۵۸	الف - مبانی کرامت ذاتی انسان

صفحه	عنوان
۶۵	مبنای مبنای اول: دارا بودن روح الهی
۷۰	دوم: خلافت الهی :
۷۴	تعلیم اسماء
۷۶	مبنای سوم: اختیار و اراده انسان
۸۲	مبنای چهارم: تسخیر جهان هستی
۸۴	مبنای پنجم: مسجود فرشتگان بودن
۸۵	سجده فرشتگان بر انسان
۹۱	مبنای ششم: امانت دار الهی بودن
۹۶	مبنای هفتم: فطرت الهی انسان
۹۶	معنای لغوی و اصطلاحی واژه فطرت
۱۰۴	ب) مبنای کرامت اکتسابی انسان
۱۰۵	ویژگی های کرامت اکتسابی

فصل چهارم : موانع کرامت انسان از دیدگاه قرآن

۱۲۰	مقدمه
۱۲۲	الف) موانع فردی کرامت
۱۲۲	۱- درک نادرست از انسان
۱۲۶	۲- صفات و خلقیات ضد ارزشی
۱۲۶	۱-۲- خودکم بینی یا احساس حقارت
۱۲۹	۲-۲- خود بزرگ بینی
۱۳۶	۳-۲- تمایلات نفسانی
۱۳۸	ب) موانع اجتماعی کرامت انسان
۱۳۸	۱- ظلم و بی عدالتی
۱۴۶	۲- استبداد و استبدادزدگی
۱۵۱	۳- حاکمیت طاغوت
۱۵۲	۴- تهدیدهای امنیتی
۱۵۳	۵- آسیب رسانی به حیثیت اجتماعی افراد
۱۶۷	۶- نابرابری و تبعیض

عنوان	صفحه
ج) رابطه مجازات‌های اسلامی و کرامت انسان.....	۱۷۰
تئوری اول: ناسازگاری مجازات‌ها با کرامت انسان.....	۱۷۱
تئوری دوم: لزوم نو اندیشی و اجتهاد در احکام دینی.....	۱۷۳
تئوری سوم: سازگاری مجازات‌ها با کرامت انسان.....	۱۷۵
رابطه کرامت و مجازات مرتد.....	۱۸۳
فلسفه مجازات مرتد.....	۱۸۶
فصل پنجم: لوازم کرامت ذاتی انسان	
مقدمه.....	۱۹۳
یک: حق حیات.....	۱۹۶
دو: حق آزادی.....	۲۰۲
آزادی تکوینی.....	۲۰۹
آزادی تشریعی.....	۲۱۱
آزادی عقیده.....	۲۱۱
عوامل تحدید کننده آزادی.....	۲۱۹
حق آزادی انسان‌ها و مساله برده‌داری.....	۲۲۰
ج) حق تدین.....	۲۲۳
د) برخورداری از امتیازات اجتماعی به طور عادلانه.....	۲۲۶
راه‌های حفظ کرامت انسان	
۱- هجرت.....	۲۳۲
۲- تشویق به بیهوده‌گریزی.....	۲۳۳
۳- تشویق به عفو و گذشت.....	۲۳۴
۴- تأکید بر خردورزی و نهی از تقلید کورکورانه.....	۲۳۵
۵- نفی نگرش طبقاتی.....	۲۳۶
نتیجه	
.....	۲۴۰
منابع	
.....	۲۴۴

فصل اول
کلیات و مفاهیم

مساله «کرامت انسان» از مباحث مهم در حوزه انسان‌شناسی است که در میان مکاتب مختلف الهی و بشری رویکردهای متفاوتی را موجب گردیده است ضرورت معناشناسی کرامت انسان از دیدگاه قرآن کریم از آن رو احساس می‌شود که واژه کرامت، در قرآن کریم هم در مورد خداوند و هم عرش الهی و فرشتگان نویسنده و نیز فرشته امین وحی و به ویژه در مورد خود قرآن اطلاق شده است و از سویی بر سر انسان تاج کرامت نهاده شده است. بررسی مفهوم کرامت که به نحو اشتراک معنوی بر خداوند و قرآن، فرشته امین وحی وارد شده است و نیز آیات متعددی که نشان از نگاه تشکیکی در کرامت را بیان می‌دارد، موجب آن شده است، تا با بررسی معنای لغوی کرامت، وجوه معنایی کرامت در قرآن، رابطه معنا شناختی کرامت و فضیلت در قرآن را بیان کنیم و نیز به معنا شناسی انسان در نظام معنایی قرآن پرداخته و انسان‌شناسی توصیفی در قرآن را ارائه نمائیم و در پایان به معناشناسی کرامت انسان در قرآن بپردازیم و چیستی و ماهیت آن را اشاره نمائیم.

از سویی دیگر بحث از مبانی کرامت انسان، یکی از مباحث کلیدی و مهم میان اندیشمندان مسلمان در عصر حاضر به شمار می‌رود و پرداختن به این نکته، که کرامت انسان در نگاه قرآن، به کدامین انسان اشارت دارد و کدام انسان در این دیدگاه صاحب کرامت است. یعنی این پرسش بسیار مهم می‌نماید که آیا همه انسان‌ها صاحب کرامتند یا این که برخی از انسان‌ها با ویژگی خاص صاحب کرامت‌اند.

نکته مهم دیگر در این بحث، آن است که چه موانعی در مسیر کرامت انسان وجود دارند و با شناخت عناصر کرامت ستیز، تلاش برای از میان برداشتن موانع کرامت انسان هموار خواهد شد. لازمه وجود هر امری، تحقق زمینه‌های آن و از بین بردن موانع می‌باشد در این پژوهش، تلاش گردید تا با بیان لوازم کرامت انسان در جامعه انسانی، راه‌های تحقق و محافظت از آن را از دیدگاه قرآن کریم ارائه نماییم.

سئوالات تحقیق

براساس آنچه که گفته شد سئوالات محوری و اساسی در این پژوهش، عبارتند از: کرامت انسان از دیدگاه قرآن کریم چیست؟

از آنجا که در عصر حاضر بسیاری از مکاتب بشری مدعی دفاع از کرامت انسان‌اند و در دفاع از پدیده حقوق بشر بسیار سخن رانده‌اند و از سویی اسلام را در برخی عرصه‌ها مخالف با کرامت انسان معرفی کرده‌اند و از سویی دیگر برخی از قوانین اسلامی را مغایر با کرامت انسان بشمار آورده‌اند، موجب گردید تا این سؤال را در کتاب جاودانه و وحیانی قرآن کریم مورد تحقیق قرار داده و به ارائه نگاه اسلام درباره کرامت انسان بپردازیم.

به یقین سئوالات بسیاری در این حوزه فرا روی همه اندیشمندان معاصر قرار دارد. و پاسخ‌گویی دقیق و صحیح بدان موجب خواهد گشت که چهره انسان قرآنی، چهره‌ای زیبا و جذاب و کامل برای همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها بوده باشد. پرسش‌هایی همانند این که:

الف) معنای کرامت انسان در نظام معنایی قرآن کدام است؟

ب) مبانی کرامت انسان در قرآن کدام‌اند؟

ج) چه موانعی برای تحقق کرامت انسان وجود دارد؟

د) لوازم کرامت انسان کدام است؟

این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های پیش رو، ما را بر آن می‌دارد که در این پژوهش با دقت بسیار، تلاش نماییم تا کرامت انسان را از دیدگاه قرآن ارائه نماییم.

فرضیه های تحقیق

بشر امروز، در شناخت انسان و کرامت وی، بی نیاز از تعالیم آسمانی نیست و در این راه به عمد یا سهو راهی را طی کرده، که در آن انسان محور اهداف و برنامه‌های فردی و اجتماعی بشمار آمده است. اگر چه برخی موفقیت‌ها را نمی توان در تلاش بشر امروز نادیده انگاشت اما انسان و کرامت انسانی تنها در پرتو نگاه و حیانی به گونه‌ای کامل و دقیق قابل معرفی خواهد بود و به باور ما، چالش بزرگ انسان‌شناسی معاصر را می توان با شناخت دقیق کرامت انسان در قرآن پاسخ گفت و قرآن، چشمه سار زلالی را فرا روی انسان‌های تشنه حقیقت نهاده است. در این راه کرامت انسان متفاوت با انگاره‌های جاهلیت عصر نزول و جاهلیت مدرن امروزی، با تکیه بر معارف قرآن ارائه شده است و کرامت انسان بما هو انسان در بیان قرآن اشارت رفته است و انسان بدون در نظر گرفتن رنگ و نژاد و جنسیت و اندیشه، صاحب کرامت شمرده شده است و خداوند این کرامت را به وی ارزانی داشته است.

قرآن انسان را دارای دو گونه کرامت دانسته است؛ کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. اولی اعطایی خداوند است و برای همه انسان‌ها بشمار می‌رود و وجه تفاوت انسان با دیگر موجودات است و دومی کرامتی است که با تلاش انسان به دست می‌آید و وجه امتیاز انسان از انسان‌های دیگر نزد حضرت پروردگار خواهد بود.

دیگر آن که موانع کرامت انسان دو دسته‌اند یا فردی و درونی‌اند و یا اجتماعی و

بیرونی.

آخرین نکته، این است که لازمه تحقق کرامت انسان، آن است که انسان دارای حق

آزادی و حق تدین و معنویت و حق حیات و حق امتیازات عادلانه است.

اهمیت و ضرورت مسأله

بحث از کرامت انسان در قرآن کریم، یکی از مباحث دشوار، اساسی و راهگشا در حوزه قرآن پژوهی بشمار می‌رود که در حوزه علوم انسانی می‌تواند پاسخگوی بسیاری از سئوالات و روشنگر برخی ابهامات بوده باشد. بیان کرامت انسان در نظام معنایی قرآن می‌تواند چهره‌ای زیبا و جذاب از انسان در جامعه بشری ترسیم نماید و بسیاری از پیرایه‌هایی را که توسط بدخواهان در مسأله کرامت انسان به اسلام و قرآن بسته شده است با آب زلال قرآن بزداید.

امروزه یکی از مباحث مهم در حوزه انسان شناسی، بحث از کرامت انسان است که در میان مکاتب مختلف الهی و بشری رویکردهای متفاوتی را موجب گردیده است و در ادیان آسمانی به ویژه اسلام مبانی گرانسنگی از کرامت انسان ارائه گردیده است. اما پژوهش در حدود کرامت انسان، مبانی و خاستگاه آن، چیستی و ماهیت کرامت انسان، عناصر کرامت ستیز و پرداختن به آثار و لوازم و مولفه های کرامت انسان در طول تاریخ اسلام کمتر مشاهده شده است. که ضرورت پرداختن بدان به ویژه در دنیای معاصر جهت تبیین دیدگاه های اسلام در زمینه ی حقوق بشر، بسیار احساس می شود. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و سخن رفتن از کرامت انسان در آن، جامعه جهانی را با نگاهی جدید مواجه ساخت که این مواجهه بازتاب های متفاوتی را در میان جوامع به همراه داشت. در این میان برخی با حمله به برخی دستورات دقیق دینی که در آن پاره ای از جرم‌ها، با مجازاتی مغایر با اعلامیه حقوق بشر حکم شده‌اند دستوراتی خشونت‌بار و مغایر با کرامت انسانی محسوب گردیدند و برخی از مسلمانان نیز در انفعال، از دفاع درست ناامید شدند و اما نگاه دقیق به احکام اسلامی و حکمت‌های آن، نه تنها آن احکام، مغایر با کرامت انسانی نیست بلکه عین رعایت کرامت انسان است. با بررسی دقیق این بحث می‌توان تصویری جدید از کرامت انسان از دیدگاه قرآن را به جهانیان ارائه نمود و همه را به کرامتی جامع از انسان در پرتو وحی فرا خواند و معیاری ارائه داشت تا انسان حرمت بیند و معیارهای جاهلی موجب امتیاز انسانی از انسان دیگر نگردد.

پیشینه تحقیق

کرامت انسان از مباحثی است که در ادیان و آیین‌های گذشته در میان بشر از آن سخن رفته است و در هر کدام به نوعی بدان پرداخته شده است اما اسلام با توجه به جاودانگی کتاب آسمانی‌اش و خاتم بودن پیامبر الهی‌اش، دقیق‌ترین و ژرف‌ترین سخن را در این باره بیان داشته است؛ غیر از آن که در رفتار پیامبر اکرم و امامان معصوم -علیهم السلام- می‌توان بسیاری از شواهد را یافت که نشان از تبیین کرامت انسان در شریعت اسلام بشمار می‌رود و بسیاری از محدثان و مفسران با بیان آن، کرامت انسان را ترسیم نموده اند. یکی از کتاب‌هایی که در این حوزه تالیف شده است کتاب «فلسفه حقوق بشر» نوشته آیه الله عبدالله جوادی آملی می‌باشد. این کتاب در نگاهی به حقوق بشر اسلامی، تلاش دارد تا به نقد اعلامیه حقوق بشر بپردازد و از سویی آن را به چالش بکشد و نظام حقوق بشر اسلامی را، نظامی دقیق و متقن در ارائه حقوق انسان معرفی نماید که با تعریفی از انسان و مبانی حقوق بشر و بیان مزایای حقوق بشر در اسلام بر آن است تا اتهام نقض حقوق بشر در اسلام را مردود شمرده، ادعای رعایت حقوق بشر در غرب را مورد بررسی تطبیقی قرار دهد. کتاب دیگری که در زمینه دفاع از حقوق بشر اسلامی و مسأله کرامت انسان نوشته شده است کتاب «تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب» است که از علامه محمد تقی جعفری، می‌باشد. تلاش نویسنده محترم در این کتاب بر آن است تا با دقت و ژرف نگری نظام حقوق بشر را در اسلام و مکاتب حقوق بشر غربی مورد امعان نظر قرار دهد و کرامت انسان در اسلام و غرب را معرفی نماید. کتاب «القییم الانسانیه فی القرآن الکریم» اثر «وهبه الزحیلی» کتاب دیگری است که با نگاهی اسلامی به کرامت انسان نگاشته شده است و در آن به ارزش‌های انسانی در قرآن پرداخته شده است. «سید عبد الرحیم عطیه» کتاب «تکریم الانسان فی القرآن» را با نگاهی به ارزش و جایگاه انسان از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است و تلاش کرده است تا وجه کرامت انسان را به بیانی رسا ارائه نماید. از کارهای دیگری که در این حوزه نگاشته شد کتاب «تکریم الخالق للانسان» اثر «محمد سعید غیبه» است که در دمشق به چاپ رسیده و در آن به کرامت انسان نزد خداوند سبحان و وجوه کرامت انسان

اشاره شده است. وی به چهار وجه برای تکریم انسان از سوی خداوند و مقدم داشتن او بر سایر موجودات اشاره می کند: کیفیت آفرینش انسان، تکریم بر حسب مسئولیت های مهمی که بر دوش انسان گذاشته است، تکریم بر اساس آنچه که به انسان آموخته است، و تکریم بر حسب صفاتی که خداوند به انسان افاضه کرده است. کتاب «تکریم الرحمن للانسان» نوشته «احمد حسن کرزون» کتابی است که تلاش کرده است تا ارزش و جایگاه رفیع انسان در نزد خداوند سبحان را بیان نماید و برتری انسان بر سایر موجودات را نشان دهد. از آثار ماندگار در حوزه حقوق بشر می توان به مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر «مبانی نظری حقوق بشر» که توسط مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید قم تدوین گردید اشاره کرد. در این مجموعه مقالات بحث های دقیقی در حوزه حقوق بشر ارائه شده است. مجموعه دیگری که تلاش ارجمندی را در تبیین کرامت انسان از دیدگاه اسلام مبذول داشته است مقالات «همایش بین المللی امام خمینی و قلمرو دین (۱)» با محوریت «کرامت انسان» بوده است که نویسندگان محترم مقالات تلاش کرده اند تا کرامت انسان را از نگاه قرآن، سنت و امام خمینی ارائه نمایند. این همایش تلاش ارزنده ای را در تبیین کرامت انسان بر جای گذاشته است و در کنار مقالات بسیار ارزشمند و پر باری که گردآوری شد، مصاحبه های خواندنی با برخی از مراجع عظام تقلید بر غنای علمی و پژوهشی آن افزوده است. با این وجود بحث از کرامت انسان به گونه ای دقیق و منقح، منسجم و پاسخگوی برخی شبهات و پرسش ها مورد بحث قرار نگرفته است که پژوهش حاضر بر آن است تا به این مسأله به گونه ای دقیق و صحیح بپردازد. در کنار زحمات خالصانه و ارزشمندی که اندیشمندان مسلمان در این حوزه متقبل شده اند، گامی هر چند کوچک بردارد و در دفاع از کرامت انسان در اندیشه دینی، به لوازم آن نیز تاکید ورزد و موانع کرامت انسان را مورد مطالعه قرار دهد.

روش تحقیق

این نوشتار به روشی تحلیلی با مطالعه کتاب‌های موجود و قابل دسترسی از میان کتاب‌های فارسی و عربی تدوین گردید، که بعد از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، به پاسخی دقیق و منطقی اشارت رفته است. شاید بتوان گفت عمده کتاب‌های مرتبط با بحث از تک‌نگاری‌ها یا تفاسیر شیعه و عامه مورد بهره‌برداری قرار گرفت و تلاش بر این بود تا در این پژوهش از کتاب‌های مرتبط در مباحث روان‌شناسی بهره‌جوییم تا بحث کرامت را، که بحثی تربیتی و انسان‌پژوهی است به دقت تبیین گردد؛ در این راه منابع حقوقی و سیاسی مرتبط نیز مورد استفاده قرار گرفت و پاره‌ای از موانع سیاسی اجتماعی در دنیای معاصر یا گذشته بر سر راه کرامت انسان اشارت رفته است.

مبانی

کلمه مبانی در لغت به معنای اساس، بنیاد و بنیان هر شیء است^۱ از سویی مبانی در هر علم، اساس، پایه‌ها و بستر و ساحت‌های زیرین آن علم است.

در خصوص تفسیر، مبانی آن عبارت از باور و اصول پذیرفته شده و مسلم مفسران است که در فرایند تفسیر آن‌ها سهیم می‌باشد و پذیرش اثباتی یا نفی آن‌ها، سبب رویکردی خاص در تفسیر می‌گردد. مبانی در تفسیر، همواره به عنوان پیش فرض و مطالب پذیرفته شده و پشت صحنه هر تفسیر را به همراه آورده‌اند؛ زیرا مبانی ثابتی برای همه مفسران وجود ندارد و مفسران قبل از شروع به تفسیر، آن‌ها را گاه در ضمیر ناخودآگاه، پذیرفته و یا در مواردی، پس از تحلیل، مستدل و معتبر نموده‌اند؛ مانند پذیرش قرائت عامه برای تمامی آیات و نفی دیگر قرائت از قرائت سبعة و بر این اساس، تفسیر تمامی آیات مبتنی بر «قرائت واحد عامه» خواهد بود. مبانی تفسیری، برای غیر مسلمانان نیز قابل تصور می‌باشد زیرا آنان نیز علی‌رغم عدم تصدیق و ایمان به قرآن، می‌توانند در مواردی قرآن را بفهمند. از مبانی تعبیر به «پیش فرض های بنیادین» هم شده است؛^۲

در بحث مبانی کرامت انسان، بحث از بسترها و ساحت‌هایی است که در قرآن کریم موجب برتری انسان بر موجودات دیگر یا موجب برتری انسان بر انسان‌های دیگر شمرده شده است.

از این رو مبانی کرامت ذاتی به اموری بنیادین و اساسی اشاره شده است که خداوند در میان همه انسان‌ها به طور مشترک، به ودیعت نهاده است و در مبنای کرامت اکتسابی نیز خداوند سبحان پایه و بنیان برتری انسان بر انسان‌های دیگر را در نزد خود قرار داده است.

^۱- محمدعین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.
^۲- سیدرضا مودب، مبانی تفسیر قرآن، ص ۲۴، قم، دانشگاه قم، چاپ اول ۱۳۸۶.

کرامت

واژه کرامت و مشتقات آن ۴۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است، از آنجا که تحلیل مفهوم کرامت در نظام معنایی قرآن کریم و دست یابی به ژرفای معنایی و کاربرد آن، نیازمند دقت در معنای این واژه و پرداختن به وجوه متعدد آن در کاربردهای قرآن کریم است در طلیعه بحث بدان اشارت می رود:

معنای لغوی کرامت

لغت‌شناسان و فرهنگ‌نامه‌نویسان در معنای کرامت چنین آورده‌اند:

خلیل فراهیدی کرامت را معنای شرافت و شریف بودن آورده است^۱. ابن فارس (م ۳۹۵ هـ) معنای کریم را به مفهوم شرافت نفسانی و یا به معنای شرافت اخلاقی دانسته است و کریم را که از اسماء الهی است به معنای بخشاینده گناهان بندگان ذکر کرده است^۲. راغب اصفهانی (م ۵۰۲ هـ) در تعریف از کرم گفته است: «بخشش و نعمت دادن و هرگاه خدای تعالی با این واژه وصف شود اسمی است برای احسان و نعمت بخشیدن ظاهر و روشن او، مثل «فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ»^۳ و هرگاه انسان با واژه کرم وصف شود در آن صورت اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از انسان ظاهر می‌شود و واژه کریم تا وقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود گفته نمی‌شود. صفت کرم جز در نیکی‌ها و محاسن بزرگ گفته نمی‌شود و هر چیزی که در حد و غایت خودش شریف و ارجمند باشد با واژه کرم توصیف می‌شود ... و اکرام و تکریم این است که بزرگداشتی یا سودی به انسان برسد که در آن نقصان و خواری نباشد و یا چیزی که به او می‌رسد او را کریم یا شریف گرداند»^۴ جوهری نیز الکرم را متضاد

۱- ابی عبد الرحمن خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵ ص ۳۶۸، قم، موسسه دارالهجره، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق
۲- ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۹۲۳، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۱۸ هـ.

۳- نعل / ۴۰. وهرکس کفران کند بداند که پروردگار بی نیاز و بخشنده است.
۴- ابی القاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۲۸، تهران، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم ۱۴۰۴ هـ.

با پستی و لثامت معنا کرده است.^۱ ابن منظور (۶۳۰-۷۱۱ هـ) کریم را صفتی دانسته است که در بردارنده انواع شرف و خیر و فضایل اطلاق می‌گردد. کریم اسمی است برای چیزی یا کسی که همه اوصاف ستودنی و محمود را در خود جمع داشته باشد و متضاد با لثیم است و در اصل بر انسان‌ها اطلاق می‌شود اما در توصیف اسب و شتر و درخت نیز به کار می‌رود.^۲ فیروزآبادی، کریم را بخشنده و سخاوتمند و بزرگ و بزرگوار و پیراسته و متضاد با لثامت معنا کرده است.^۳ پس کریم در معنای بخشنده و سخاوتمند و بزرگ داشته شده و پیراسته آمده است. ابن اثیر، کریم را در بردارنده همه انواع خیر و نیکی و شرف و فضیلت‌ها معنا نموده و می‌گوید: کریم کسی است که خویشتن را از آلودگی به هر آنچه که مخالفت و عصیان پروردگار است منزّه و دور می‌دارد. الکریم الذی کرم نفسه عن التدنس بشیء من مخالفه ربّه^۴ طریحی کریم را صفتی دانسته است که بر چیزی که رضایت عقلاء را جلب نموده است و حمد و ثنا را برمی‌انگیزد اطلاق می‌شود.^۵

می‌توان از مجموع معانی ذکر شده استنباط کرد که کرامت را لغت‌شناسان به معنای شرافت، بزرگواری، عزت، نفاست، عظمت و نیکویی و در مقابل دنائت و پستی آورده‌اند که معنای حقیقی کرامت، «بزرگ منشی و بزرگواری و شرافت بوده» و معانی دیگر از لوازم و مصادیق این معنای اصلی می‌باشند. اگر چه در زبان فارسی معادل بسیط برای آن وجود ندارد و اگر کسی بخواهد معنای کریم را در زبان فارسی ارائه نماید باید چند کلمه را در کنار هم بگذارد و در قالب چند واژه آن را معنا نماید که می‌توان کریم را به معنای بزرگوار و منزّه از پستی و فرومایگی و شریف برشمرد. برخی از واژه‌شناسان، کرامت را در مقابل لثامت آورده‌اند و این حیثیت تقابل نشان از آن دارد که مفهوم علو و شرافت در آینه معنایی کرامت جلوه

۱- اسماعیل بن حماد الجوهري، الصحاح، ص ۲۰۱۹، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم ۱۳۷۳.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲ ص ۷۵/۷۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول ۱۴۰۸ هـ.

۳- محمد بن یعقوب فیروز آبادی، القاموس المحیط، ج ۲ ص ۱۵۱۸، بیروت دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم ۱۴۲۰ هـ.

۴- مجدالدین ابی السعادات المبارک بن محمد الجزری ابن الاثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۲ ص ۵۳۵، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.

۵- فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۵۲، قم، بعثت، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ.

خاصی دارد و با اندیشه در خصوصیت معنایی لثامت می‌توان به شاخصه‌های معنای کرامت راه یافت و کریمان را از لئیمان متمایز کرد.

انسان

لغت‌شناسان در اصل واژه انسان اختلاف کرده‌اند برخی از آنان اصل آن را از «انس» دانسته‌اند و گفته‌اند بدین جهت به او انسان گفته شده است که قوام او در انس گرفتن برخی از ایشان با برخی دیگر است.^۱ بعضی نیز اصل در معنای انسان را «نسیان» می‌دانند که در ابتدا «انسیان» بوده و برای سهولت در تلفظ، الف آن حذف شده است.^۲ این گروه قائل‌اند که وجه تسمیه انسان این است که وی عهدی که با پروردگار خود بسته است را به فراموشی سپرده است که در تأیید آن روایاتی نیز وجود دارد چنانچه از امام صادق علیه‌السلام درباره علت نامگذاری آدمیان به انسان آمده است که فرموده‌اند «لانه ینسی»^۳. یعنی زیرا او فراموش می‌کند.

در نگاهی فراگیر به آیات قرآن مجید، کاربرد واژه انسان را در ساختار طبیعی و روحانی وی و نیز برخورداری از اوصاف ستوده و ناشایست، می‌توان مشاهده کرد که فراگیرترین واژه در معرفی آدمی به شمار می‌رود و متصف شدن وی به این واژه «انسان» با معنای لغوی آن ارتباط تنگاتنگ داشته باشد زیرا غالب این صفات مذموم و منفی، در اثر غفلت و فراموشی فطرت و در نتیجه فراموشی خدا و نعمت‌های او و ناسپاسی او حاصل می‌شود و بدین سبب، رویکرد کسانی که قائل به بر گرفتن انسان از نسیان است درست‌تر باشد. به تعبیری «انسان‌شناسی دینی، انسان را به مثابه موجودی مورد مطالعه قرار می‌دهد که با آنچه خود مافوق طبیعی یا امر قدسی می‌پندارد وارد رابطه شده و از خلال این رابطه دست به ساختن و دگرگون ساختن نمادها می‌زند»^۴

۱- راغب اصفهانی، ص ۹۴.

۲- امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج ۶ ص ۱۸۱، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق.

۳- اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج ۳ ص ۳۵۰، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۴- کلود ریویر، درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، ص ۱۸۵، تهران، نشر نی، چاپ پنجم ۱۳۸۴.